

نگاهی به چند نمونه سند قدیمی



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

چگونگی تهیه و تنظیم متن اسناد بیان کننده ساختار روابط انسانی در هر اجتماع است. آگاهی از اندیشه گذشتگان در مورد صورت و محتوای اسناد چراغ راهی خواهد بود برای آیندگان تا هر چه بهتر به ترسیم موارد مبتلایه اقدام نمایند. اسناد ارائه شده نمونه‌هایی هر چند محدود از دریافت و عملکرد گذشتگان در خصوص تهیه و تنظیم اسناد معاملات است.



ثړوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمونه اسناد زیر، از کتاب «دین خرم» تألیف گران قدر آقای «محسن فرزانه» و از بخش مربوط به واپسین روزهای حکومت صفوی برگزیده شده است. سبک و روش تحریر اسناد و ثبت معاملات و انتقالات خواه قطعی، خواه شرطی، رهن و استیجاری و نیز استشهاد و ترک دعوا بر مبنای فقه شیعه استوار است و عموماً مملو از اصطلاحات و ترکیباتی عربی است که رد پای همان واژگان و اصطلاحات را و یا تغییر یافته آنها را در دوره‌های بعد نیز می‌توان در متون اسناد و نوشته‌های معاملاتی مشاهده کرد. به هر حال به سبب جذابیت و اهمیت موضوع، برخی از آنها را گزیده و آورده‌ایم:

قابل ذکر است که در متن برخی از این اسناد اشتباهاتی مشاهده می‌شود که هویدا نیست در کدامین بار استنساخ دچار تحریف شده است. به هر حال اغلاط متن را در حدود متعارف تصحیح کرده‌ایم و جهت مزید آگاهی عین عبارت کتاب را نیز در پانویس آورده‌ایم.

۱- طلاق نامچه: سبب از تحریر این کلمات شرعی و تفسیر این مقالات سمعی آنکه مسمی حسن بن فلان به رضا و رغبت خود طلاق داد منکوحه خود را وهی المسماة خدیجه خاتون بنت عبدالله را با مهر نوزده مثقال و نیم طلاکه در دست داشت خلع کرد و مخالعه درست و شرعی نمود و او نیز به رضا و رغبت قبول کرد از جانبین بدین موجب از همدیگر جدا شدند و اکنون بینهما بینونت^(۱) واقع است و مسماة مذکوره پاگشاده^(۲) است هر جا که خواهد رود و هر کس را که خواهد شوهر کند هیچ آفریده مانع و مزاحم

۲. پاگشاده به معنی مطلقه و رها شده.

۱. درس کتاب بینونت آمده است.

نشود. این چند کلمه حسب التماس ملتسمه مذکوره قلمی شد تا عندالحاجت حاجت باشد تحریراً فی شهر فلان سنه ۱۱۳۱.

۲ - صورت قباله نامه: الحمدالله الذی احل البیع و الشری و حرم الغصب و الربوا الصلوة و السلام علی محمد المصطفی^(۱) و علی علی المرتضی و اولادهم المزکی النجباء، اما بعد غرض از تحریر و تسطیر این سطور [که] بر سطح این صحیفه مستطر است و مقصد از تحریر این حروف که بر لوح این ذریعه مرتقم است آنکه بفروخت به مبیاعه صحیحه شرعیه و متعاقد مرعیه سعادت نصاب عزت مآبی، کد خدا شریف ولد حاجی کوکلی آغداش یک قطعه باغچه توت مع اشجار مثمره و غیر مثمره واقع در محل مذکور که از راه ملکیت برو انتقال شرعی یافته محدود به حدود اربع حد اول شرقیاً ملک پر محمد (خدائی) غربیاً ملک گل محمد ولدنوری حد ثالث جنوبیاً شارع عام حد رابع شمالیاً نهر کوکل مع جمیع الحدود و الحقوق و المضافات و المنسوبات الخارجیه و الداخیله به مبلغ دو تومان تبریزی وجه رایج الوقت فی البلاد و نصفه تاکیداً له مبلغ یک تومان تبریزی بوده باشد به مسمی نوروز علی ولد محمد الاکوزلوی پادار، بالطوع و الرضا و الرشده و الاختیار و فقدان الاکراه و الاجبار و مشتری مؤمی الیه نیز بخردید و در مجلس عقد اقباض ثمن و مثن گردید. الیوم تصرف مالکانه بای وجه کان و کیف اراد مشتری راست و مشروط بر آنکه هرگاه بعد الیوم من - الایام مدعی غیره بهم رسد - عهده و غرامت آن بر بایع است که رد ثمن و یا تخلیص مثن نماید و ملتزم اسقاط دعوی خیار غبن و ان کان فاحشاً نمودند و کان ذلک فی ۳۲ شهر فلان سنه ۱۱۳۰.

۳ - بیع^(۲) شرط: غرض از این نوشته آنکه چون عزت مآب مسمی الله ویردی ولد اورج اوچ قواقی آغداشی در حضور جمع کثیر و جم غفیر^(۳) به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۱۱ الی وعده انقضای مدت دو ماه هلالی متوالی الایام مبلغ سه تومان تبریزی و مقدار یک من ابریشم شعاری بوزن تیلان از مال سعادت نصاب و تقویت (کیاب) حاجی

۱. در متن کتاب محمد مصطفی آمده است. ۲. واو زائد در متن آمده است.

۳. در متن جم غفر آمده است - جم غفر به معنای مردم زیاد است.

حسین مرسی در ذمت و رقبه او دین ثابت و لازم است که وجوه مذکور در مدت معلوم تمام و کمال بلاقصور و الانکسار ادا نموده به هیچ وجه من الوجوه به عذری موقوف و معطل ندارد و فیما بینهما شرایط شرعی واقع و جاری بر این گردید که هرگاه وجه مزبور را برب المال ادا و استیفاء نموده باشد موازی دو باب دکه مدیون مزبور واقعه در اراضی اوج قواقی و نصف نهر مذکور به صیغه شرط که در عقد بیع ملا حسین مزبور است تصرف مالکانه نماید بای وجه شاء و کیف اراد و کدخدا ولی مزبور دیگر به علت ملکیت پیرامون املاک و نهر مذکور نگردیده^(۱) متعرض نشود و کان ذلک فی تاریخ المسبوق.

۴ - جهت محضر نامه^(۲): استشهاد و استخبار و استعلام می رود از ملک و کدخدایان و ارباب و اهالی و متوطنین و غیر ذلک مذکوره ذیل آغداش بر آنکه امروز دنیاست و فردا بازار قیامت است و پای میزان عدالت که قبل از این جماعت شیخ زاده لویپادار آمده موازی چند قطعه زمین بیاض به نحوی از رعایا و محل مزبور ابتیاع و سابقا در ایام عرب خان که رعایای محل مذکور از تعدی و تشدد و تحصیل داران و بروت داران تفرقه یافته و جماعت شیخ زاده لوی پادار رعایای مزبور^(۳) را که اطراف باغ غرس نهال توت نموده آبادان کرده و متصرف شده‌اند و در این وقت که رعایای محل مزبور به عدالت نواب عالی به مکان اصل خود آمده‌اند جماعت شیخ زاده لوی پادار بر رعایای محل مزبور مدخل نمی دهند هر کس از این معنی اطلاع داشته باشد اسم خود را در حواشی این صحیفه قلمی نماید که انشاء الله تعالی عندالله و رسوله ضایع نشود. این چند کلمه بر سیل محضر نامه قلمی شد. تحریراً فی شهر صفر سنه ۱۱۳۱.

۵ - جهت ترک دعوی: غرض از این نوشته آنکه چون عزت آثاری کدخدا محمدخان خاچمری زراعتگاه غلکی واقعه در اراضی کرس با مسمیون ولدان غضنفر دعوی استحقاق می نمود بعد از قیل و قال بسیار و گفت و شنید بیشمار جماعت مصلحین خیراندیش و ذات به حسب اقتضای الصلح خیر مصلحت کردند مبلغ پنجهزار دینار

۲. منظور استشهادیه است.

۱. در متن گردیده آمده است.

۳. در متن مذبور آمده است.

تبریزی به مدعی داده در حضور جمع کثیر و جماعت غفیر^(۱) قطع منازعه و مناقشه نمودند و هرگاه بعد الیوم من الایام مدعی مزبور^(۲) آمده با مشارالیه از اراضی مذکور ادعای مجدد نموده باشد حرف مومی الیه به مرتبه بطلان آرمیده مسموع^(۳) شریعت غران شود این چند کلمه به جهت ترک دعوی قلمی شد. تحریراً فی شهر فلان سنه ۱۱۳۱.

۶- جهت محضر: باعث بر تحریر این کلمات شرعی آنکه چون دعوی که در باب ارث فیما بین شخص قوجه نام و شخص ولی نام اخی (صوفی لوی) پادار واقع، در این وقت باتفاق یکدیگر به مجلس شرع انور حاضر شدند و ادا نمودند بنا بر حدیث نبوی علیه الصلوت و السلام و البینه^(۴) للمدعی و الیمین علی من انکر به، مسمی قوجه مدعی مزبور^(۵) را بینه لازم شد و از ثبوت قول خود عاجز ماند و قسم متوجه مدعی علیه گردید و مدعی مذکور از سر تحلیف برخاسته بوساطت مصلحین خیراندیش به مبلغ سه هزار دینار تبریزی مصلحت نمودند قطع نزاع حاصل گشت و مدعی به وصول وجه مصالحه معترف شد و هرگاه بعد الیوم من الایام فیما بین ایشان درین باب دعوی و نزاعی بوده باشد باطل و عاطل از درجه اعتبار ساقط بوده مسموع شریعت غرا نشود. تحریراً فی شهر فلان سنه ۱۱۳۱.

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲. در متن مذبور آمده است.

۴. در متن البینه آمده است.

۱. در متن قفیر آمده است.

۳. در متن مسموم آمده است.

۵. در متن مذبور آمده است.